



بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای مرزبان و مدافع حرم - 28 / خرداد / 1396

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

و الحمد لله رب العالمین و الصلّاة و السّلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و علی آلہ الاطیبین
الاطهرین المنتجبین الهداة المهدیین سیما بقیة الله فی الارضین.

بسیار جلسه‌ی شیرین و جالبی است از این جهت که عطر شهادت در این جلسه پیچیده است. بله، همه‌ی خانواده‌های شهدا در اینجا نیستند لکن یک مجموعه‌ای از خانواده‌های عزیز شهیدان ما، چه شهیدان [مدافع] حرم، چه شهیدان مرزبانی، چه شهیدان ارتش - نیروی زمینی - چه شهیدان سپاه، چه شهیدان نیروی انتظامی و دیگران در اینجا اجتماع کرده‌اید و عطر شهیدان در فضای حسینیّه پیچیده است.

شهادت یک مفهوم عجیبی است، یک مقوله‌ی عجیبی است، یک مقوله‌ی عمیقی است. شهادت یعنی معامله‌ی با خدا، یک معامله‌ی دوجانبه‌ی بی‌دغدغه‌ی با خدای متعال؛ جنس هم معلوم، بهای جنس هم معلوم. جنس عبارت است از جان. جان یعنی سرمایه‌ی اصلی هر انسانی در این دنیای مادی؛ این جنس است؛ این را شما تقدیم میکنید؛ در مقابل، چه میگیرید؟ در مقابل، سعادت ابدی و حیات جاودان در برترین نعمتهای الهی را میگیرید. خوب، این جنسی که شما در شهادت میدهید، یک جنس ماندگار نیست. این جنس مثل همان یخی است که فروشنده‌ی یخ، روز تابستان آمده بود یخ را عرضه میکرد، میگفت مردم! این جنس را از من بخرید که اگر نخرید، اصل مایه از دست خواهد رفت؛ این جوری است دیگر. حالا که داخل خانه‌ها یخ هست، قدیمها که یخ را از بازار میخریدیم، فروشنده‌ی یخ این یخ را لای کیسه‌گونی و مانند اینها نگه میداشت که بماند تا بیایند بخرند. اگر نمیخریدند چه میشد؟ اگر مشتری پیدا نمیشد و یخ را نمیخرید چه میشد؟ یخ آب میشد، از بین میرفت. این مشتری‌ای که می‌آید این جنس نابودشدنی را از شما می‌خرد، خیلی مشتری باارزشی است. این جانی که من و شما داریم، همان یخ است، این دارد ذره‌ذره [از بین] میرود دیگر؛ مگر این جور نیست؟ ذره‌ذره دارد تمام میشود. هر یک روزی که می‌گذرد، ما به آن سرآمد داریم نزدیک‌تر میشویم؛ یعنی به قبر داریم نزدیک‌تر میشویم؛ این دارد روزبه‌روز [از بین] میرود. حالا چقدر طول بکشد؟ بعضی‌ها این سرآمدشان چهل سالگی است، بعضی پنجاه سالگی است، بعضی هشتاد سالگی است؛ بالاخره تمام میشود؛ دیر و زود دارد، سوخت و سوز ندارد؛ دارد تمام میشود. حالا [برای] این جنسی که چه شما بفروشی و چه نفروشی بالاخره تمام خواهد شد، یک مشتری پیدا شده و میگوید من این را از تو می‌خرم، آن هم به بالاترین قیمت می‌خرم. آن بالاترین قیمت چیست؟ بهشت. همین آیه‌ای که این قاری (2) خوش‌خوان عزیز ما امروز تلاوت کردند: *إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ*؛ (3) این جنس را از شما می‌خرند که به شما بهشت بدهند. *يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ*؛ (4) یعنی وقتی شما در راه خدا مجاهدت میکنید چنین نیست که بزوی جانت را دودستی بدهی دست دشمن و بگویی بکش؛ نه آقا! شما هم ضربه میزنی به او. این مرزبان ما که در مرزها به شهادت میرسد، قبلش مبالغ زیادی ضربه به دشمن زده، مانع نفوذ دشمن شده، جلوی توطئه‌ی دشمن را گرفته، جلوی فساد دشمن را گرفته؛ این جوان ما که در دفاع از حرم، در فلان کشور خارجی در مقابل داعش ایستاده و شهید شده، قبل از اینکه شهید بشود، صد ضربه به او زده، جلوی او را گرفته، اهداف او را ناکام کرده، پدر او را درآورده، حالا هم شهید میشود. *فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ*؛ هم می‌کشند، بعد هم خودشان کشته میشوند. *وَعَدًا عَلَيْهِ*؛ این یک وعده‌ی الهی است؛ خدا دارد به شما وعده میدهد. اینکه می‌گوید از تو می‌خریم این جنس را به قیمت بهشت؛ بهشت یعنی سعادت ابدی، سعادت است که در آنجا دیگر مثل این یخ نیست که لحظه‌به‌لحظه



آب برود ؛ نه، بقاء دائمی است، همیشگی است، لذت همیشگی است، نعمت همیشگی است ؛ در مقابل این دارند این جان از بین رفتنی را از شما میخرند و میگیرند ؛ این وعده، وعدهی خدا است. این وعدهی حقی است که خدای متعال به شما داده است، مخصوص دین شما هم نیست ؛ این وعده را خدا در کتابهای آسمانی قبلی هم داده است: وَعَدُا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ ؛ (5) شهادت این است. بعد هم میفرماید: وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ ؛ (6) چه کسی به عهد خود وفاکنندهتر است از خدا؟ این وعده وفا میشود. بنابراین شهادت یک مفهوم این جور است. ظاهرش را که نگاه میکنید، ظاهر دردناکی دارد، تلخی دارد ؛ پدر انسان، مادر انسان، همسر انسان، بچهای انسان، برادر و خواهر انسان، داغدار میشوند، غصه میخورند ؛ ظاهرش این است ؛ اما باطنش چه؟ باطنش فروش یک جنس ضایع شدنی و خراب شدنی و غیرقابل ماندن به یک قیمت فوق العاده بالا است. بنده از قدیم با دوستان در صحبت و سخنرانی و مانند اینها که صحبت میکردیم میگفتم شهادت، مرگ تاجرانه است ؛ یعنی در آن زرنگی هست ؛ آنهایی که شهید میشوند، خدای متعال بیشترین لطف را به آنها میکند، بالاترین لطف را به آنها میکند ؛ این شهادت است.

شماها خانوادههای شهدا هستید، البته رنج میبرید ؛ فرزندان، برادران، پدران، همسران از دستتان میروند، [آنها را] دوست دارید، محبت دارید، بدیهی است که داغدار میشوید ؛ در این تردیدی نیست. اما با این نگاه وقتی نگاه کنید، خواهید دید که شما هم برنده‌اید. چرا؟ برای خاطر اینکه او که عروج پیدا کرد و رفت به درجات عالی، او قدرت دارد شفاعت کند ؛ او میتواند در برزخ و در قیامت نقش ایفا کند. همین الان هم کسانی که در دنیا هستند، بعضی‌ها که با شهدا انس بیشتری دارند، در مشکلات زندگی متوسل به شهدا میشوند و شهدا جواب میدهند. در این شرح‌حالی که ما میخوانیم از خانواده‌ی شهدا، از این قبیل زیاد هست که همسر شهید، پدر شهید، مادر شهید دچار یک مشکلی میشوند، به شهید متوسل میشوند ؛ میگویند «تو که دستت باز است، تو که میتوانی، کمکمان کن»، و او کمک میکند. در برزخ هم همین جور است. شماها میروید دیگر ؛ شماها هم که ماندنی نیستید ؛ من و شما همه رفتنی هستیم ؛ ما هم همین عالم برزخ را، همین دالان را، همین وادی را در پیش داریم، به آنجا خواهیم رسید. وقتی که رفتید، آنجا گرفتاری‌ها زیاد است ؛ اگر انسان آنجا بتواند شفיעی داشته باشد که این شفیع به درد آدم بخورد، خیلی قیمت دارد. این شهید، شفیع شماها است.

البته درباره‌ی خانواده‌ی شهدا من حرف زیاد دارم ؛ زیاد هم حرف زده‌ام ؛ حرفهای زیادی دارم درباره‌ی خانواده‌ی شهدا. مسئله‌ی خانواده‌ی شهدا فقط این نیست که یک شهید از آنها در راه حق به شهادت رسیده ؛ صبر آنها خودش یک کوه با ارزش است. همین که پدر شهید، مادر شهید، همسر شهید، فرزند شهید، صبر میکنند بر این مصیبت، خود این یک ارزش بسیار والایی است ؛ بسیار والا. اُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ؛ (7) شما باور میکنید که خدا بر شما صلوات بفرستد؟ خدا صلوات بفرستد بر شما! شما که خانواده‌ی شهید هستید، وقتی صبر میکنید بر این مصیبت و شکر میکنید خدا را و تحمل میکنید و این را پای خدا حساب میکنید، این صبر شما موجب میشود که خدای عزوجل - که مالک ملک و ملکوت است، مالک عالم وجود است - بر شما صلوات بفرستد. اینها ارزش است ؛ ما این مفاهیم را باید درست بفهمیم. این مفاهیم، نیروهای عجیبی در وجود ما ایجاد میکند، ما را آماده میکند برای خیلی کارهای بزرگ.

دشمنها میخواهند این مفاهیم را از ما بگیرند. بعضی از همین قلم‌به‌دست‌های مزدور - که دلشان میخواهد دل بیگانه‌ها را به دست بیاورند به جای اینکه دل اولیای خدا را به دست بیاورند - یک چیزهایی مینویسند، یک حرفهایی



مینویسند در بعضی از این مطبوعات، روزنامه‌ها یا فضای مجازی؛ اینها نمیفهمند چه کار میکنند. مفهوم شهادت، مفهوم مجاهدت فی سبیل الله، مفهوم صبر بر اینها، مفاهیم عظیمی است؛ اینها در زندگی روزمره‌ی جامعه‌ی اسلامی اثر دارد. برادر، خواهر! همینها انقلاب را حفظ کرده.

این انقلاب و نظامی که به وجود آمد، از اوّل با دشمنی‌های سخت مواجه بود، حالا به این هارت و پورت‌های این بابایی که تازه آمده آمریکا (8) [سر کار]، نگاه نکنید؛ اینها جدید نیست، اینها از اوّل بود، حالا زبانهایشان و لحنهایشان فرق میکند. از روز اوّل این هارت و هورت‌ها علیه جمهوری اسلامی بوده تا امروز؛ قریب چهل سال است. هیچ غلطی نتوانستند بکنند. این نهال را آن وقتی که یک ترکه‌ی نازک بود روی زمین، نتوانستند بکنند، امروز تبدیل شده به یک درخت تناور؛ [مگر] میتوانند بکنند؟ غلط میکنند. میگویند میخواهیم نظام جمهوری اسلامی را تغییر بدهیم؛ خوب کی بوده که شما نخواسته‌اید این کار را بکنید؟ همیشه خواسته‌اید، همیشه سرتان به سنگ خورده، همیشه دماغتان به خاک مالیده شده؛ بعد از این هم همین خواهد بود. ملت ایران را اینها نشناخته‌اند؛ این مفاهیم، ملت ایران را زنده نگه داشته.

اینهایی که تازه آمده‌اند سر کار در آمریکا، مثل این کسانی که تازه وارد عالم چاقوکشی شده‌اند - این چاقوکش‌های تازه کار و بی تجربه که به هر جا میرسند یک نیش چاقویی میزنند - نمیفهمند چه کار دارند میکنند؛ تا وقتی توی دهانشان بخورد؛ وقتی توی دهانشان خورد، آن وقت میفهمند حساب چیست، کتاب چیست. جمهوری اسلامی را اینها نشناخته‌اند، ملت ایران را اینها نشناخته‌اند، مسئولین جمهوری اسلامی را نشناخته‌اند. ملت ایران آن ملتی است که از روز اوّل تا امروز، با همین جور توطئه‌ها و با همین جور حرفها مواجه بوده؛ آنها خواسته‌اند به ملت ایران سیلی بزنند، [ولی] ملت ایران به آنها سیلی زده؛ آنها خواسته‌اند نظام جمهوری اسلامی را ساقط کنند، [اما] یکی یکی در حسرت این آرزو به گور رفتند. شما ببینید از اوّل انقلاب، [تعداد] این کسانی که در آرزوی نابودی جمهوری اسلامی بودند و حالا از این دنیا با حسرت و با ناکامی رفتند در اعماق جهنّم، چقدر است. جمهوری اسلامی با اقتدار کامل [ایستاده]؛ بعد از این هم همین جور خواهد بود. این را همه بدانند - هم دشمن بدانند، هم دوستان با اخلاص بدانند، هم آن دوستانی که گاهی دلشان میلرزد بدانند - که جمهوری اسلامی مستحکم ایستاده است و بدانید آنها نمیتوانند به ما سیلی بزنند، ما به آنها سیلی خواهیم زد.

و این به خاطر تجهیزات مادی نیست. تجهیزات مادی نقش اساسی و تعیین کننده ندارند، چیزهای دیگری وجود دارد؛ آن، تجهیزات معنوی است؛ آن عزم و اراده‌ی ثابت است، آن راه‌های استحکام درونی دل‌های یکایک آحاد مردم است، آن قدرت تربیت جوانهایی است که در این طوفان عجیب فساد - که در دنیا به وسیله‌ی صهیونیست‌ها و امثال آنها دارد ترویج پیدا میکند - قرص و محکم در صراط مستقیم در ایران ایستاده‌اند. جمهوری اسلامی، قدرت اسلامی، نظام اسلامی، میتواند این جور جوانهایی را تربیت کند و امروز تربیت کرده و هستند. این، قدرت جمهوری اسلامی است؛ با این قدرت، هیچ قدرت مادی‌ای توانایی مقابله ندارد. و روح [این قدرت] هم، روح همین شهادت است.

البته در کنار این حرفها، ارزش شهدای ما هم باید معلوم باشد. شهدای دفاع از حرم اگر نبودند، ما باید حالا با عناصر فتنه‌گر خبیث دشمن اهل بیت و دشمن مردم شیعه، در شهرهای ایران می‌جنگیدیم. در برنامه‌های دشمن بود دیگر؛ در عراق که بودند، اینها در یک منطقه‌ای بودند و سعی میکردند خودشان را بکشاند به سمت منطقه‌ی مرزی با جمهوری اسلامی؛ و خودشان را برسانند به مناطق شرقی‌شان که همسایه‌ی جمهوری اسلامی است؛ سعی



میکردند بیایند به این استانهایی که با ما هم‌مرزند؛ جلویشان گرفته شد، بهشان تودهنی زده شد، تارومار شدند، پدرشان درآمد، حالا [هم] که دارند بکلی ازاله (9) میشوند، جارو میشوند. در سوریه هم همین جور؛ اگر این کاری را که سرداران بارزش ما انجام دادند انجام نمیدادند، به قول این آقای مداح (10) عزیزمان، حالا باید در همین دوروبر و اطراف با اینها می‌جنگیدیم؛ باید در همین خیابانهای خودمان و شهرهای خودمان با اینها مبارزه میکردیم. بخش مهمی از این امنیتی که امروز شما دارید، مربوط به همین مدافعان حرم است.

بخش مهم دیگری از امنیت، مربوط به این مرزداران ما است؛ چه از نیروی انتظامی که در مرز مستقرند، چه از نیروهای زمینی سپاه که در مرز مستقرند، چه از بقیه نیروهایی که در مرزها در حال رفت‌وآمد و استقرار و فعالیت و تلاشند؛ این ناشی از برکات آنها است؛ آنها -طفلکها- دیده هم نمیشوند! شما در خانه‌هایتان نشستید؛ از مرز چه خبر دارید؟ شما پسران را، دخترتان را میفرستید مدرسه، می‌آید، نگران نیستید؛ خودتان میروید محل کار و می‌آید، نگران نیستید؛ میروید در پارک می‌نشینید، نگران نیستید؛ راه‌پیمایی میکنید، نگران نیستید؛ نگرانی نامنی نیستید، دارید با امنیت زندگی میکنید. چه خبر دارید که آن که در مرز ایستاده و جلوی دشمن را گرفته که وارد کشور نشود، او دارد چه میکشد؟ این را مردم خبر ندارند؛ او مظلوم است. شهدای مرزی ما مظلومند؛ چه در مرزهای جنوب شرقی یعنی منطقه‌ی بلوچستان و کرمان و مانند اینها، چه منطقه‌ی شمال غربی [یعنی] منطقه‌ی کردستان و کرمانشاه و بقیه‌ی جاها، چه بقیه‌ی مناطق دیگری که در مرزها مشکلاتی وجود دارد؛ در همه‌ی اینها، این مرزدارهای ما هستند که دارند با همه‌ی وجود، آنجا دفاع میکنند. اگر این مرزدارها نباشند، از بعضی از مرزهای ما هزارکیلو هزارکیلو مواد مخدر وارد کشور میکنند که هر یک کیلویش ممکن است صد جوان را بدبخت کند و به روز سیاه و به خاک سیاه بنشانند. چه کسی جلوی اینها را میگیرد؟ مرزدار ما! اینها هستند که دارند فداکاری میکنند؛ بعد هم شهید میشود؛ این شهید خیلی ارزش دارد. شهید مدافع حرم آن جور، شهید مرزبان این جور.

شهید کارهای امنیتی و اطلاعاتی در داخل کشور [هم] یک جور؛ اینهایی که با چشمهای نافذ خودشان میگردند و تیمهای خرابکار را، تیمهای تروریست را -که شکل و قیافه‌شان با بقیه‌ی مردم فرق ندارد، دل‌هایشان جهتمی است که دیده نمیشود- پیدا میکنند این مأمور امنیتی ما با تجربه‌ای که دارد، با هوشی که دارد، با کمکی که از مردم میگیرد، با هدایتی که خدا میکند، میتواند اینها را پیدا کند. اینها را پیدا میکنند و یک وقت شما می‌شنوید که چهل تیم را ضربه زدند، بیست تیم را ضربه زدند که هریک از این تیمها میتواند ده نفر را به خاک و خون بکشد؛ یک وقتی هم یکی از اینها به شهادت میرسد؛ اینها خیلی ارزش دارند.

شما که خانواده‌ی شهدا هستید، خودتان داغدارید و دستتان در کار است؛ من میخواهم این را عرض بکنم -این حرفها پخش میشود، گفته میشود تا مردم بدانند که این شهیدان ما چقدر دارند به این کشور خدمت میکنند- خدمت، فقط دادن آب و نان نیست؛ بالاتر از آب و نان، امنیت است؛ اینها دارند امنیت کشور را تأمین میکنند. در همه‌ی مرزهای کشور این جور است؛ چه آنهایی که در خارج کشور در دفاع از حرم کار میکنند، چه آنهایی که در مرزها کار میکنند، چه آنهایی که در داخل شهرها و جاده‌ها برای امنیت کار میکنند، همه‌ی اینها حق حیات به گردن کشور دارند.

قدر شهدا را باید بدانیم، قدر خانواده‌های شهدا را باید بدانیم. برادران عزیز، خواهران عزیز! هرکسی که سعی کند که یاد شهدا به فراموشی سپرده بشود، به این کشور خیانت کرده؛ هرکسی که سعی کند که به خانواده‌های شهدا اهانت



بشود یا بی‌اعتنائی بشود یا مورد تعرض زبانی قرار بگیرند، به این کشور خیانت کرده ؛ [چون] اینجا بحث نظام نیست، بحث کشور است ؛ به کشور خیانت کرده. به شهدا باید احترام بگذارند و قدر آنها را بدانند ؛ به خانواده‌ی شهدا باید احترام بگذارند و قدر آنها را بدانند ؛ خود را زیر بار منت شهیدان بدانند. خب «زیر بار منت شهیدان» یعنی چه؟ یعنی زیربار آن همسری که راضی میشود شوهرش برود در میدان جنگ به شهادت برسد ؛ پس زیر بار [منت] آن خانم هم هستند ؛ زیر بار منت آن پدر یا آن مادری که رضایت میدهد فرزندش برود [هم هستند] ؛ زیر بار منت اینها قرار بگیرند و همه بدانند، اینها است که ارزشها را در کشورمان زنده میدارد.

پروردگارا! به محمد و آل محمد تو را سوگند میدهم روزبه‌روز یاد شهیدان ما را در کشور ما زنده‌تر کن. پروردگارا! روزبه‌روز عزت شهیدان و عزت خانواده‌های شهیدان را در کشور ما بیشتر کن. پروردگارا! این نور شهادت، این فضای شهادت، این طلب شهادت، این شور و شوق به شهادت را که در دل بعضی‌ها هست، خاموش مکن. پروردگارا! هرکسی را که این شوق و شور به‌معنای واقعی کلمه در دل او هست، به این فضیلت برسان ؛ تفضلات خودت را درباره‌ی آنها زیاد کن، شهدا را با پیغمبر محشور کن، با شهدای کربلا محشور کن. روح مطهر امام بزرگوار ما را که سلسله‌جنبان شهادت بود، از ما راضی و خشنود کن. قلب مطهر ولی‌عصر را از ما راضی و خشنود کن و ما را به رضای آن بزرگواران روزبه‌روز نزدیک‌تر کن.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

- ۱) در این دیدار - که در روز بیست‌وسوم ماه مبارک رمضان برگزار شد - خانواده‌های شهدای مدافع حرم، وزارت اطلاعات، مرزبانی سپاه، ارتش، نیروی انتظامی و ... حضور داشتند.
- ۲) آقای محمدحسن موحدی قمی
- ۳) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۱۱ ؛ «در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است ؛ ...»
- ۴) همان ؛ «... همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته میشوند ...»
- ۵) همان ؛ «... وعده‌ی حقی در تورات و انجیل و قرآن برعهده‌ی اوست ...»
- ۶) همان ؛ «... و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است ؟ ...»
- ۷) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۵۷ ؛ «بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد] ...»
- ۸) دونالد ترامپ (رئیس‌جمهور آمریکا)
- ۹) از بین رفتن
- ۱۰) آقای حسین سازور